

## ره آورد دیدار هیئت ایرانی از ژاپن: تشدید وابستگی به امپریالیسم

رفسنجانی "گسترش مناسبات" برای پر کردن "خلاءهای موجود صنعتی ناشی از قطع رابطه با آمریکا و اروپا" عنوان شده است. در شرایطی رفسنجانی بازمه از گسترش مناسبات با امپریالیسم ژاپن سخن می گوید که ژاپن بعد از امپریالیسم آلمان غربی، در سالهای پس از انقلاب همانند پیش از انقلاب، همچنان دومین شریک بازرگانی ایران باقی ماند. بنابر آمار موجود، انحصارات چند ملیتی ژاپنی تنها در سال ۶۱ به میزان ۱۷۵۰ میلیون دلار از کالاهای بنجل خود را وارد بازارهای ایران کردند.

در جریان دیدار این هیئت، رفسنجانی در مصاحبه ها و سخنرانی های پر شمار خود، هربار برای آنکه ماهیت بقیه در صفحه ۲

رفسنجانی در اس یک هیئت سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی دیدار ۵ روزه ای از ژاپن بعمل آورد. دیدار هیئت اخیر جمهوری اسلامی از ژاپن، بعد از سفر گذر، وزیر امور خارجه آلمان غربی به ایران و سفر موسوی نجست وزیر به ترکیه، بخاطر سرشت و ثمرات وابستگی ژا و استقلال شکنانه ناشی از آن، از اهمیت سیاسی بسیار مهمی برخوردار است. این دیدار در واقع کام تازه ای بود که در راه ژرفش و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی برداشته شد. ره آورد آن در چارچوب توافق های سیاسی انجام گرفته و قرار دادهای اقتصادی بسته شده، در یک کلام، جز تشدید وابستگی کشور به امپریالیسم نیست. علت و انگیزه دیدار هیئت ایرانی از ژاپن به گفته



دوره هشتم/ سال دوم/ شماره ۵۹  
پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

## سلامت و زندگی کارگران فدای آز کارفرمایان

کارگران بدلیل آهنگ شدید کار و عدم رعایت ضوابط سیستم ایمنی محیط کار از سوی کارفرمایان حریص و مورد عنایت سران ج.ا. همواره در معرض انواع حوادث ناشی از کار قرار دارند. مطابق آمار ارائه شده در روزنامه اطلاعات (۲۳ اردیبهشت ۶۴) سالانه حدود ۱۵ هزار مورد حادثه جانکاه که ۲۳ درصد آن به مرگ کارگران منجر می شود در واحدهای اقتصادی کشور روی می دهد.

کارفرمایان نه تنها با عدم رعایت امنیت و بهداشت محل کار موجب مرگ و نقص عضو کارگران می شوند بلکه با توسل به انواع ترفندها می کوشند تا از پرداخت حداقل حقوق قربانی خود اجتناب ورزند. از این رو آنها به پنهان های مختلف از گزارش سانحه به اداره کار خودداری بقیه در صفحه ۵

## چرا رژیم از محاکمه علنی توده ایها هراسناک است؟

بر جان و مال و ناموس میلیونها ایرانی حکمروایی می کند. رژیم قرون وسطایی خمینی برای تحمیل شیوه زندگی، طرز اندیشه و عقاید واپسگرایانه خود به میلیونها ایرانی، نه تنها آزادی های سیاسی و اجتماعی را از بین برده است، بلکه آزادی فردی شهروندان را نیز از آنان سلب کرده است. منع آزادی عقیده، قلم، بیان، اجتماعات، احزاب، سندیکاها، سرکوب خونین مبارزات خلقها، حبس و شکنجه و اعدام هر کس که بخواهد خلاف اندیشه و خواست سران جنایت پیشه ج.ا. بیندیشد و زندگی کند، از مشخصات رژیم است که بر میهن ما حاکم است.

رژیم قرون وسطایی ج.ا. برای عملی کردن اهداف ضد خلقی خود، ترور و اختناق را تشدید می کند. تشکیل بیدادگاههای شرع و صدور احکام چاپرانه که جان رفقای ما را تهدید می کند، از ترس حیوانی سران رژیم از اوج گیری مبارزه توده ها علیه نظام "ولایت فقیه" نشات می گیرد. جلسه چندی پیش شورای عالی دفاع در حضور خامنه ای و تصمیم برای تمرکز عده ای از بسیجیان در پشت جبهه ها برای سرکوب جنبش ضد رژیم در شهرها و دستور اخیر هاشمی رفسنجانی به نهادهای جاسوسی نیروهای مسلح ایران به منظور تعقیب و سرکوب افراد میهن پرست در ارتش و سپاه نیز با هراس سران رژیم از آینده ارتباط دارد.

تجربه گذشته نه چندان دور نشان داده است که روحیه آزادیخواهی رادرمردم ایران نمی توان با توسل به سرنیزه و زندان خفه کرد. مردم کشور ما در راه آزادی و از آن جمله آزادی دهها هزار نفر زندانی سیاسی می رزمند و این مبارزه را تا پیروزی نهایی ادامه خواهند داد.

ری شهری در یک مصاحبه کوتاه اعلام کرد که همه اعضای حزب توده ایران به استثنای چند نفر محاکمه شده اند. فقط روزنامه "جمهوری اسلامی" این خبر را در لابلای دهها خبر دیگر منتشر ساخت.

رییس "ساواجا" هیچ توضیح دیگری درباره این جنایت نوبتی رژیم نداد. پس از دیویرش سبانه به حزب ما، سران رژیم، اعلام کردند که بیش از ۱۰ هزار تن توده ای را روانه شکنجه گاههای رژیم کرده اند. از آن روز تاکنون احدی از سرنوشت واقعی این همه انسان بی گناه خبر دقیقی ندارد. رییس سازمان اطلاعات و امنیت "ولایت فقیه" در مصاحبه مطبوعاتی خود درباره تعداد توده ایها محاکمه شده، هیچ اطلاعی در اختیار خبرنگاران نگذاشت. او نگفت که توده ای ها را بر پایه چه اتهامی، برای چه، کجا، در کدام دادگاه، با حضور کدام قاضی و دادستان و وکیل مدافع محاکمه کرده اند. ری شهری حتی به خبرنگاران توضیح نداد که توده ای ها را به چند سال زندان محکوم کرده اند. او، درباره تعداد توده ای هایی که پس از گذشت دو سال و اندی هنوز هم پلاکتی در سلولهای انفرادی و زیر شکنجه های غیر انسانی جسمی و روحی قرار دارند، سخنی نگفت.

سکوت سران جنایت پیشه رژیم خمینی در این زمینه، دلیل قاطع محکومیت آنها و سند انکار ناپذیر حقانیت حزب توده ایران است. خمینی و دست نشاندهانش برای توجیه جنایتی که علیه توده ای ها مرتکب شده اند، هیچ دلیلی ندارند تا به افکار عمومی جهان عرضه کنند. آنها در عمل به مردم ایران و جهان نشان داده اند که تابع هیچ یک از موازین و مقررات و قوانین حقوقی مورد قبول بشریت مترقی نیستند. ترور و اختناق یگانه وسیله ادامه حکومت باند سیاهی است که

## روستای ایران و علل و عوامل اوج گیری جنبش دهقانی

پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۳ بهمن ۵۷ جامعه روستایی ایران به صحنه مبارزه حاد طبقاتی تبدیل گردید. مبارزه ای که هیچگاه در تاریخ جنبش دهقانی، چنین ژرفا و دامنه ای را به خود نگرفته بود. مبارزه ای که در آن وسیع ترین طیف زحمتکشان و توده های محروم روستایی با خواسته های مشخص اقتصادی - اجتماعی بخاطر ایجاد دگر گونی بنیادی در مناسبات واپس مانده حاکم بر روستا و زندگی نکبت بار، در آن شرکت داشتند.

مضمون خواسته ها و شعارهای جنبش دهقانی، اساسا با خصلت و شعارهای انقلاب همپوندی جدایی ناپذیر داشت. موج جنبش دهقانی، بخاطر برخورداری از توان بالقوه عظیم انقلابی خود، توانست تا دور افتاده ترین روستاهای کشور را در نوردد و مهر و نشان خود را بر سیر تحولات آتی و آگاهی دهقانان بزند. دهقانان بی زمین و کم بقیه در صفحه ۲

## نگاهی به تکوین بورژوازی بوروکراتیک نوین در جمهوری اسلامی

در صفحه ۶

کمونیستهای مجارستان: همچنان از همبستگی ما برخوردار خواهید بود

در صفحه ۴

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی!



## ره‌آورد دیدار هیئت ایرانی از ژاپن: تسدید وابستگی به امپریالیسم

از صفحه ۱

ارتجاعی این مناسبات و توافق های سیاسی و قراردادهای اسارتبار منعقد شده مانند قرارداد "توسعه مونتاژ وانت های نیسان" را از چشم مردم ایران پنهان نگهدارد، از بیان بی شرمانه ترین دروغ ها نیز پروا نداشت. برای نمونه، رفسنجانی بگونه‌ای عوام‌فریبانه و برای خوشایند امپریالیسم با نشان دادن اصطلاح "کشورهای صنعتی" بجای "امپریالیسم" تلاش ورزید دشمنی خونی و آشتی ناپذیر خلق ایران با امپریالیسم را بی درنگ و تا سطح یک "رنجش" خاطر تنزل دهد. او گفت:

"ملت ما از کشورهای صنعتی غرب رنجیده است و به آنها اطمینان ندارد. ولی از کشور شما تا به حال جز خوبی چیزی ندیده ایم".

رفسنجانی در بر شمردن صفات نیک امپریالیسم ژاپن تا آنجا پیش می‌رود که ادعا می‌کند ژاپن "سوابق تجاوز و استعمار" ندارد و "در پی منافع استعمارگرا نیست". حال آنکه هر کس دفتر تاریخ را یکبار ورق زده باشد، می‌داند که در جنگ جهانی دوم، میلیتاریسم ژاپن بود که آرایه جنگی خود را به حرکت درآورد و منچوری را زیرپاشنه خونین خود گرفت. افزون بر آن، هیچ وجدان بیداری نمی‌تواند مبارزات خلقهای هندوچین از جمله خلق ویتنام قهرمان را علیه استعمارگران ژاپنی به دست فراموشی بسپارد. تحریف واقعیت قادر نیست ذات و خصلت امپریالیسم ژاپن و مناسبات با آن را تغییر دهد و نیز قادر نیست هیچ دیواری بین عملکرد دیروز و امروز انحصارات امپریالیستی بکشد. در جهان امروز، در آمیختگی سرمایه‌های انحصارات مالی، نظامی و صنعتی چندملیتی بگونه‌ای است که دیگر منافع امپریالیست‌ها هم پیوندی درونی یافته است و امپریالیسم ژاپن تافته جدا بافته‌ای نیست و بقول معروف سگ زرد برادر شغال است. همین امپریالیسم "بی آزار" ژاپن اکنون، خاک کشور ژاپن را به پایگاه عظیم نظامی ایالات متحده آمریکا و به گفته نخست وزیر کنونی ژاپن به "ناو هواپیما برغرق نشدنی" برای آمریکا تبدیل کرده است.

حال چرا رفسنجانی می‌کوشد امپریالیسم ژاپن را گل بی خار و فرشته نجات معرفی کند؟ پاسخ روشن است: رژیم "ولایت فقیه" برای برون‌رفت از بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی کنونی کشور، یگانه چاره را دیویزگی و آستان‌بوسی امپریالیسم می‌بیند. در شرایطی هم که رژیم بخاطر عدم پذیرش افکار عمومی و نفرت توده های مردم از امپریالیسم آمریکا، قادر به برقراری روابط رسمی با آن نیست به گسترش مناسبات با متحدان آن همانند امپریالیسم ژاپن و آلمان غربی و حکومت‌های دست‌نشانده آن همانند ترکیه و پاکستان می‌پردازد. سفر هیئت هایی از این دست، در واقع برای آب و جارو کردن راه صدور سرمایه‌های امپریالیستی و دادن اطمینان خاطر و ارائه پیشنهادات نان و آب دار به آنهاست. برخوردهای دعوته‌گرانه رفسنجانی با

مقامات ژاپنی و سخنان وی در ضیافت های گوناگون ناهار و شام گواه این مدعاست.

رفسنجانی، به پیروی از سیاست شاه برای رسیدن به "دروازه های تمدن بزرگ"، هربار ضمن بر شمردن "زمینه های عظیم فعالیت های اقتصادی" ژاپن در ایران و تاکید بر این که ایران از منابع زیرزمینی و معدنی سرشار و "بهترین" نیروی کار (یعنی نیروی کارآرزان) برخوردار است، انحصارات ژاپنی را به "مال اندیشی و آینده نگری" و غارت دعوت کرد و حتی پنهان ساخت که: "امروز که نیاز بیشتر داریم و در حال جنگ هستیم ... من پیشنهاد می‌کنم از این فرصت استفاده شود" (اطلاعات ۱۲/۴/۶۲). در همین ارتباط، رفسنجانی به سر رشته داران انحصارات امپریالیستی "صنعتی و تجاری ژاپن" اطمینان خاطر می‌دهد که آنها در پناه رژیم جمهوری اسلامی می‌توانند از "امنیت اقتصادی" برخوردار شوند.

در این سفر، رفسنجانی همچنین نظریه "نظهور" همکاری دو کشور ایران و ژاپن برای پیشرفت آسیا و احیای عظمت این قاره را مطرح ساخت. این نظریه که هرگامی در جهت عملی کردن آن به بهای محکم کردن زنجیرهای وابستگی کشور و زمینه چینی برای غارت عنان گسیخته تر از منابع نفت، یعنی ثروت ملی مردم ایران، تمام می‌شود، بر پایه در آمیختن "مواد خام" از ایران و "صنعت پیشرفته" از ژاپن استوار است. کیست که نداند راهایی را که امروز رژیم "ولایت فقیه" با کمک امپریالیسم ژاپن می‌پیماید و می‌خواهد بپیماید، دیروز رژیم شاه با کمک امپریالیست‌ها از جمله امپریالیسم ژاپن پیموده است. نتایج کار بست این گونه نظریه پردازی‌ها روشن است: بر باد

### نمایش قدرت در روز قدس

امتناع از شرکت در راهپیمایی برای آنها "گرفتاری" پیش خواهد آمد. کسبه بازار و مغازه داران نیز به صورت سازمان یافته مجبور به شرکت در راهپیمایی شدند. از طرف مساجد مختلف مرتباً به خانه‌ها مراجعه می‌شد و بلندگوها می‌کوشیدند تا مردم را به شرکت در مراسم راهپیمایی تشویق کنند. با همه احوال علی‌رغم شعارهای رژیم مبنی بر شرکت ۵ میلیون نفر در راهپیمایی روز قدس تهران، حداکثر ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر در راهپیمایی و مراسم نماز جمعه شرکت کردند. در مسیر راه پیمایی انواع صندوقهای کمک به جیبه برای خالی کردن جیب مردم وجود داشت. "بسپج" فرم عضویت در میانی مردم پخش می‌کرد، اتومبیل‌های مخصوص شعارهای مقابلی در بین مردم پخش می‌کردند. با این حال اغلب راهپیمایان از دادن شعار و جنگ، جنگ تایپرووی "خودداری می‌کردند. گروه زیادی از شرکت کنندگان "روز قدس" صرفاً از دیدگاه انجام فرمایش مذهبی در مراسم نماز جمعه شرکت کردند.

رفتن تام و تمام استقلال کشور و اسارت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم. برای نشان دادن ژرفای این مناسبات وابستگی‌ها تنها اشاره‌ای به نحوه فروش نفت به ژاپن به خودی خود نمایانگر بسیاری واقعیت است:

"بر اساس تفاهم موجود بین ایران و ژاپن، در مقابل خریدهای نفتی ژاپن حداقل معادل ۵۰ درصد آنرا دولت ایران کالاهای ژاپنی را خریداری می‌کند و در این رابطه به مقامات ژاپنی اطمینان داده شده است" (اطلاعات ۶/۴/۶۲).

آیا این "تفاهم" جز تفاهم بر سر حفظ وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم معنای دیگری هم دارد؟ مگر وابستگی شاخ و دم دارد. در حالی که رژیم بخاطر ورشکستگی مالی، برای تامین بودجه سرسام آور جنگ و مواد خام برای گردش در آوردن چرخ صنایع وابسته و مونتاژ نیاز مبرم به ارز دارد، با یک دست نفت را به قیمت چند دلار ارزانتر به انحصارات ژاپنی تحویل می‌دهد و با دست دیگر، با "حد اقل معادل ۵۰ درصد" پول نفت فروخته شده، کالاهای مصرفی و مواد خام و قطعات یدکی برای صنایع وابسته وارد می‌کند و یا قراردادهای جدید "کارخانه های مونتاژ" می‌بندد. البته، در این بین، رژیم آگاهانه ترجیح می‌دهد "دستاوردهای" روابط اقتصادی با ژاپن، از جمله مجتمع پتروشیمی را به فراموشی بسپارد تا مناسبات با کشور "آفتاب تابان" را گرمای هر چه بیشتری بخشد.

سخن کوتاه، در اوضاع و احوال کنونی، دیدار هیئت بلند پایه ایران و ژاپن، در چارچوب مجموعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی جای ویژه‌ای را اشغال می‌کند و در محتوای خود، اقدامی در جهت نزدیکی هر چه بیشتر به امپریالیسم و بازسازی مواضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیشین آن بشمار می‌رود.

### خاموشی برق، نوشتن شعار،

#### پخش تراکت ...

هنگام خاموشی موقت برق در مواقع بباران، هواداران حزب و دیگر نیروهای مترقی در محله های مختلف تهران به نوشتن شعار می‌پردازند. در چندین محله، رژیم برای پیشگیری از این امر از خاموش کردن برق خودداری کرد. اما این مسئله مورد اعتراض مردم واقع شد، زیرا بیم هدف قرار گرفتن این محله‌ها وجود داشت. همچنین مقررات خاموشی فرصت مناسبی برای نیروهای انقلابی است. جوانان بصورت گروهی در محله‌ها براه می‌افتند و با پخش تراکت و دادن شعار مردم را به مبارزه علنی با رژیم فرا می‌خوانند. اخیراً هنگامی که عوامل رژیم در ابتدای شهرک اکباتان دوشعار بزرگ "جنگ را بس کنید، مردم صلح می‌خواهند" و "وندانیان سیاسی آژاد باید گردند" با امضاء حزب توده ایران را از دیوار پاک می‌کردند، عده‌ای از مردم عادی شدیداً آنها را مورد اعتراض



## روستای ایران و علل و عوامل اوجگیری جنبش دهقانی

از صفحه ۱

زمین ستون فقرات این جنبش را تشکیل می‌دادند. آنها با شور و شوق انقلابی خواستار براندازی کامل نظام های عقب مانده و بزرگ مالکی در روستاها، دستیابی به آزادی، پایان بخشیدن به زندگی در سایه سرنیزه بزرگ زمینداران و آلو صفت و ژاندارم ها، زدودن فقر سیاه از سیمای روستاها بود.

ولی در نتیجه خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب بهمن، روستاهای ایران شاهد هیچ تحول بنیادی در سرنوشت خود نگردید. همچنان نظام بزرگ مالکی و مناسبات ستمگرانه پیشین برقرار است و پایه موجودیت خود را استوار می‌سازد. از این رو، در بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آمده است:

"انقلاب بهمن ۵۷ نتوانست مسئله ارضی را حل کند. با اوج گیری جنبش دهقانی، زمینداران بزرگ که از دیر باز با روحانیون پیوندهای اقتصادی و سیاسی و مذهبی داشتند، به کمک آنان فشار سنگینی در جهت توقف اصلاحات ارضی آوردند. بزرگ مالکی ایران از نابودی نجات یافت و اینک به تحکیم دوباره پایه های اقتصادی و حقوقی و سیاسی خویش پرداخته است."

در شرایط کنونی میهن ما، حل مسئله ارضی یکی از حادترین، مهمترین و جدی ترین خواستهای دهقانان است. تاثیر مشخص عدم حل بنیادی مسئله ارضی را میتوان در آرایش طبقاتی جامعه روستایی مشاهده کرد. باید خاطر نشان سازیم، بعد از انقلاب، آرایش طبقاتی در روستاهای ایران دستخوش تغییر اساسی نگردیده است و نهادهای گوناگون جدیدی که در روستاها شکل گرفتند، نتوانستند مصدر هیچ دگرگونی ژرفی در مناسبات تولیدی شوند و در نتیجه پای نیروهای مولده جامعه روستایی، همچنان در بند مناسبات عقب مانده پیشین باقی ماند. افزون بر آن، بایستی در نظر داشت، از جهات معینی، مناسبات ستمگرانه و ارتجاعی حاکم بر روستاها تشدید گردیده و زنجیرهای روابط بهره کشانه را برای دهقانان به ارمغان آورده است. احیای مناسبات قرون وسطایی "مزارعه" و دست اندازی به برخی از دستاوردهای مبارزاتی دهقانی در دوران ستمشاهی (همانند بازس گرفتن زمینهایی که به بهای جانفشانی و بیکار خونین دهها ساله بدست آورده اند و تحویل آنها به مالکان قبلی) در همین چارچوب می‌گنجد.

قشر بندی دهقانی در روستاهای ایران، از پایان دهه پنجاه تاکنون، هیچ تحول اساسی و عمده ای را از سر نگذرانده است. بدین معنا که همچنان بخش بزرگی از دهقانان به مزدوری سرگرم هستند و در میان آنهایی هم که نسق زراعتی دارند، تفاوت های بسیار چشمگیری وجود دارد. اقلیتی کوچک صاحب زمین هایی بیش از پنجاه و صد هکتار هستند و عده پر شماری در

زمین های کمتر از ۲ هکتار زراعت می‌کنند. در همان حال، اینک در میان دهقانانی که بعد از انقلاب نیز قطعه زمینی بدست آورده اند، روند دردناک قشر بندی در جریان است و عده زیادی از دهقانان کم زمین، به تدریج زمین های خود را از دست می‌دهند. بویژه سیاست ضد دهقانی رژیم، این روند را تشدید می‌کند.

بر این بینان، دو قطبی شدن جامعه روستایی ایران، با سرعتی به مراتب بیش از گذشته جریان دارد و هر روز روستاییان ورشکست و خانه خراب شده و به دنبال یک لقمه نان روانه شهرها می‌شوند. "تنها" تهران روزانه پذیرای ۱۵۰ مهاجر جدید است" (اطلاعات ۶۶/۱/۲۵).

در اوضاع و احوال کنونی، همچنان دهقانان از سرکوب آزادی ها و حقوق دمکراتیک، از عدم اجرای اصلاحات ارضی و آبی بنیادی و بطور کلی سیاست ضد دهقانی رژیم رنج می‌برند. از یکسو، کمکهای مالی و فنی دولت اساسا در خدمت مالکان مرفه و بزرگ زمینداران قرار میگیرد، و از سوی دیگر، دهقانان محروم از هیچ گونه آزادی واقعی بخاطر بریایی شکل های صنفی خود برخوردار نیستند. شوراها، اتحادیه ها و تعاونی های واقعی دهقانان یکی پس از دیگری بدست نهادهای سرکوبگر رژیم از هم پاشیده شده و می‌شوند و راه مالک الرقاب شدن زمینداران بزرگ هرچه بیشتر هموار می‌گردد.

در حال حاضر، روستاییان در شرایط نکبت بار و سرشار از محرومیتی بسر می‌برند. جهل و بیسوادی در روستاها بیداد می‌کند. وضع بهداشت و درمان و مسکن اسفناک است. سطح درآمد خانوارهای روستایی زحمتکش و خرده مالکان بسیار نازل است.

بدینسان، برخاسته از علل و عوامل عینی، موج ناخشنودی انقلابی در بین دهقانان، اوج می‌گیرد. دهقانان مبارزه خود را علیه رژیم تشدید می‌کنند. جنبش دهقانی که اینک می‌رود تا وزن و اعتباری بدست آورده، از نظر خصلت خود با مبارزات دهقانی پیش از پیروزی انقلاب تفاوتی معینی دارد. زیرا امروز، دهقانان با آگاهی ارتقاء یافته و تجربه اندوزی های پر دامنه ای که در دوران تحولات انقلابی پیش و پس از پیروزی انقلاب بدست آورده اند، در جنبش انقلابی شرکت می‌کنند. دهقانان با شعار ها و خواستههایی به صفوف جنبش می‌پیوندند که پیش از انقلاب بخاطر آنها بافداکاری و جانفشانی در تظاهرات انبوه میلیونی توده های خلق شرکت کرده بودند، ولی خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب، جز رنج و محرومیت های نوین، ثمری برای آنها ببار نیاورد.

اینک، با توجه به وضع بحرانی جامعه، وظیفه نیروهای انقلابی، بویژه اعضا و هواداران حزب توده ایران است که با تمام قوا برای بالابردن سطح آگاهی و تشکل دهقانان تلاش ورزند. اشکال مبارزاتی کنونی آنها را به سطح عالی تری ارتقاء دهند. مقاومت ها و اعتراضات پراکنده آنها را سازماندهی کنند و با مبارزات درون شهرها پیوند دهند. توده آنها باید منافع واقعی و ملموس دهقانان را در اتحاد با کارگران و دیگر زحمتکشان شهری را بر آنها بشکافند. باید این مسئله را عمیقاً برای دهقانان روشن سازند که کارگران همواره پشتیبان آنها هستند و از هر خواست ترقیخواهانه آنها همانند اصلاحات ارضی بینادی پشتیبانی کرده و می‌کنند. دهقانان همچنین باید بدانند که تازمانیکه در مبارزه دست در دست کارگران نگذارند و در اتحاد با دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک، رژیم را سرنگون نسازند هیچ روزنه ای برای تحقق خواستههای برحقشان گشوده نخواهد شد.

خاموشی برق، نوشتن شعار،

پخش تراکت . . . .

قراردادند. معمولاً رژیم در هر مرحله ای عوامل خود را وامی‌دارد تا شعارها را از دیوارها، باجه های تللفن، اتوبوسها و اماکن عمومی پاک کنند، اما جوانان انقلابی از آنجمله هواداران حزب ما بلافاصله به نوشتن شعار می‌پردازند. این مسئله عوامل رژیم را بشدت متعصب کرده است، اما مورد پشتیبانی شدید مردم است.

پس از تظاهرات ۱۲ آبان و پخش خبر دستگیری گروهی از توده ای ها توسط رژیم، انعکاس فعالیت گسترده توده ای ها بویژه در میان کارگران و زحمتکشان سبب شده است تا محافل ارتجاعی ارگانهای دولتی و قضایی را در مورد محاکمه و اعدام اعضا و هواداران حزب، پیشگیری از فعالیت توده ای هادر کارخانجات و دستگیری آنها هنگام سازمان دادن تظاهرات موضعی علیه جنگ و دیگر کارهای توده ای، تحت فشار قرار داده اند.

### درگیری در کاترپیلار

در اثر درگیری و زد و خورد بین یاسداران و گروهی از کارگران اجرایی در کارخانه کاتر پیلار، عده ای زخمی شدند. کارگران که نسبت به اخراج خود معترض و خشمگین بودند، در دفاع از حقوق خویش با مسئولین کارخانه، اعضا انجمن اسلامی و ماموران رژیم به بحث و مشاجره پرداختند. نتیجتاً کار به درگیری و زد و خورد کشید.

\*\*\*

**وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی،  
وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!**



## نگاهی به تکوین بورژوازی بوروکراتیک نوین در جمهوری اسلامی

در بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آمده است:

"قشر فوقانی کارمندان که در خدمت رژیم ولایت فقیه قرار دارند، "نسل" جدید تشکیل دهنده بورژوازی بوروکراتیک اند. بورژوازی بوروکراتیک به گروهی از کارمندان کشوری و لشکری در دستگاه دولتی گفته می شود که با سوء استفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می پردازند. خودداری رژیم از دگرگونی دستگاه اداری، موجدات حفظ این پدیده را که در درون رژیم ستمشاهی جان گرفته بود فراهم کرد. بعد از انقلاب تعداد قابل ملاحظه ای از اردوی ۱۸۰ هزار نفری روحانیون در پست های وزارت و مدیر کلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه های شرع و غیره و نیز برخی از فرماندهان ارتش، سپاه و بسیج و ژاندارمری و پلیس در زمره عناصر تشکیل دهنده این بورژوازی طفیلی درآمدند." (نامه مردم - شماره ۴۸ - ص ۵).

طی روندهایی که خطوط اصلی و کلی آن در این جملات به روشنی انعکاس یافته است، یکی از مهمترین تحولات طبقاتی سالهای اخیر در میهن ما شکل گرفته و همچنان در حال تکوین است. بیانیه تاریخی حزب و سازمان از جمله با این ارزیابی بنیاد محکمی برای تحلیل علمی بسیاری از پیچیدگی های طبقاتی و سیاسی جامعه، و تدوین سیاست واقع بینانه، قاطع و انقلابی در راه بسیج همه نیروها و استفاده از همه امکانات برای سرنگونی حکومت ضد بشری ج.ا.ی ریخته است.

مقوله بورژوازی بوروکراتیک به عنوان یکی از اقشار طبقه سرمایه دار، بطور عمده در بررسی وضع اجتماعی در کشورهای رشد یافته بکار گرفته می شود. بی شک ثروت اندوزی بوروکراتها و تکنوکراتهای شاغل در بخش دولتی، در کشورهای پیشرفته سرمایه داری سابق طولانی تری دارد. اما، در این کشورها این گروه های اجتماعی در عمل جزء درم بافته ای در مجموعه طبقه سرمایه دار محسوب می شوند و تحت سرکردگی جناح های مختلف الیکارشی مالی قرار دارند. تنها در کشورهای رشد یافته است که به علت شکل نیافتگی ساختار طبقاتی و اجتماعی و سیاسی جامعه و ضعف طبقه سرمایه دار و استقلال نسبی و محدود دستگاه دولتی، کارمندان لشکری و کشوری عالی رتبه بصورت یک قشر جداگانه طبقه بورژوازی تکوین می یابند و کهکاه حتی رهبری سایر اقشار بورژوازی در راه بسط و گسترش مناسبات سرمایه داری را بعهده می گیرند. در این کشورها بورژوازی بوروکراتیک از آنجا که تنها نهاد نظام سرمایه داری می تواند امتیازات خود را حفظ و افزایش دهد، سرسختانه هوادار راه سرمایه داری و گسترش مناسبات وابستگی آمیز با بازار جهانی امپریالیستی است. بورژوازی بوروکراتیک در بسیاری از

کشورهای رشد یافته که در آنها جنبش رهایی بخش ملی به پیروزی های اولیه دست یافته اند، عامل اصلی یا یکی از نیروهای اجتماعی اصلی بوده است که انقلاب را متوقف یا بشکست کشانده اند. مصر، سوئدان، برمه، سومالی، ژنیر، ... از جمله این کشورها هستند. در میهن ما نیز تکوین بورژوازی بوروکراتیک نوین، نقش مهمی در چرخش به راست حاکمیت و تثبیت سلطه ارتجاع ایفا کرده است.

در ایران، بورژوازی بوروکراتیک در دوران حکومت رضا خان و محمد رضا بطور چشمگیری رشد کرده بود. پاکسازی های پس از انقلاب تنها بخش بالایی آن را هدف قرار داد. از سوی دیگر ارتجاع با تصفیه بخش عظیمی از کارمندان هوادار نیروهای انقلابی و بویژه پیروان سوسیالیسم علمی، محیط دستگاه اداری کشور را برای بال و پر گرفتن دوباره بازماندگان بورژوازی بوروکراتیک ستمشاهی آماده کرد. این بازماندگان که بویژه در ارتش و نهادهای سرکوبگر و نهادهای اقتصادی کلیدی چون سازمان برنامه و بودجه، سازمان گسترش صنایع و وزارت دارایی پست های کلیدی را در اختیار داشتند، به یکی از پایه های نسل جدید بورژوازی بوروکراتیک ایران تبدیل شدند.

پس از انقلاب توده کثیری از بوروکراتها و تکنوکراتهای هوادار یا متظاهر به هواداری از روحانیون وارد دستگاه اداری و نظامی شدند. اکثر نخبگان این افراد وابستگان خانواده های قدیمی مذهبی و بازاری بودند که بسیاری از آنان با پرداخت شهریه های سنگین در نظام مدارس خصوصی مذهبی که در دوران شاه بوسیله حجتیه و سازمانهای مذهبی حجتیه گرا اداره می شد درس خوانده بودند. شمار این مدارس در این اواخر به ۱۵۰۰ می رسید. در گزارش اطلاعاتی سفارت آمریکا درباره این مدارس از جمله آمده است:

"از نظر مادی این مدارس کاملاً بوسیله بازاریان حمایت می شوند و دانش آموزان از خانواده های مهم مذهبی، بازاری و غیره هستند... اساتید دانشگاهی و افراد تحصیل کرده بسیاری در اینگونه مدارس خدمت می کنند تا دانش آموزان علم و دانش کافی برای راه یافتن به دانشگاه کسب کنند." (اسناد لانه جاسوسی - اطلاعات ۱۵ اردیبهشت ۶۴).

گروه کثیری نیز فارغ التحصیلان دانشگاه های کشورهای امپریالیستی بویژه آمریکا بودند. اکثریت وزرای غیر معمم در کابینه موسوی نخست وزیر از این جمله اند. به این ترتیب غرب گرایی و گرایش به راه سرمایه داری از خصلت طبقاتی و چگونگی تربیت فرهنگی و سیاسی این گروه ها ناشی می شد.

اما بخش اصلی بورژوازی بوروکراتیک نوین ایران از روحانیون طراز اول و دومی تشکیل می شود که پس از انقلاب با عناوین مختلف به دستگاه های دولتی و نظامی تحمیل شده اند.

اکثریت قاطع آنان کمترین شایستگی برای احراز مقامهایی که غصب کرده اند ندارند و از اینرو مجموعه حقوق و مزایای کلانی که به آنان تعلق می گیرد، در واقع نوعی اختلاس در اموال مردم است. آنان جز به اتکاء دستگاه های سرکوب و فشار نمی توانند مقام خود را در ادارات و در ارتش حفظ کنند. از این رو در حفظ مجموعه نظام استبدادی منافع عینی دارند. در عین حال اکثر آنان با در اختیار داشتن مواضع حساس در دستگاه های دولتی و بنیاد مستضعفان و بنیاد علوی و بنیاد مهاجرین جنگی و... همه گونه امکانات را برای سوء استفاده و مال اندوزی در اختیار دارند و واقعیات بیانگر آنند که از این امکانات استفاده فراوان می برند.

آماری که نشان بدهد چند درصد از روحانیون عالی رتبه با سوء استفاده از مقام دولتی خویش تا چه حد ثروت اندوخته اند هنوز در دست نیست. اما واقعیت تحولات جاری را نه تنها از روی شهادت شاهدان عینی، بلکه از میان اعترافات سران رژیم نیز میتوان دریافت. خمینی بخش اعظم یکی از سخنرانی های اخیر خود خطاب به جمع کثیری از روحانیون رابه این مضمون اختصاص داد که:

"خودخواهی همیشه اسباب این است که انسان را به فساد بکشد. مارو حانیون علاوه بر آن مسئولیت مشخصی که داریم... یک مسئولیت صنفی هم داریم... ارزش انسان به خانه نیست، به باغ نیست، به اتموبیل نیست، ارزش انسان به این نیست که انسان یک هیاهو داشته باشد، یک اتموبیل کذا داشته باشد، یک رفت و آمد داشته باشد، ارزش روحانیت به این نیست که یک بساطی داشته باشد، یک دفتری دستکی داشته باشد..." (جراید ۱۷ اردیبهشت ۶۴).

اگر نصایح خمینی به بازرگان برای کنارگذاشتن "خوری کاخ نشینی" می توانست تغییری در ماهیت بورژوازی تجاری ایران ایجاد کند، این نصایح نیز می تواند از تبدیل سران روحانیت به رهبران بورژوازی بوروکراتیک و عواقب آن جلوگیری کند.

در این زمینه باید توجه داشت که لازمه تعلق طبقاتی بورژوازی بوروکراتیک، انباشت یکسبه ثروت تا حد سرمایه داران بزرگ نیست. غصب قدرت دولتی در دستگاه ضد مردمی و استبدادی و فساد و فساد پرور و اشتراک منافع عینی در حفظ و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، اکثریت روحانیون حاکم را صرف نظر از میزان ثروتی که انباشته اند و چگونگی مصرف این ثروت، در سراشیب وابستگی به بورژوازی بوروکراتیک قرار داده است.

گسترش زندگ بوروکراسی، فساد مالی و سیاسی، حیف و میل اموال دولتی و ارتشاء و جایگزینی روابط بجای ضوابط، از مظاهر رشد دوباره بورژوازی بوروکراتیک در سالهای پس از انقلاب است. این پدیده ها اینک دوباره به یکی



## سلامت و زندگی کارگران فدای آزگرفرمایان

از صفحه ۱

می‌کفند. به نوشته روزنامه اطلاعات "بررسی منابع اطلاعات دهنده حادثه در سالهای اخیر بیانگر این واقعیت است که تنها ۲ تا ۶ درصد آنها توسط مسئولین کارگاه اطلاع داده می‌شود". کارفرمایان در صورتیکه به دلایل معینی ناکزیر به گزارش سوانح کار شوند، کارگرمی‌کنند که حوادث را پس از آنکه "آثار آن دستخوش تغییرات شود اطلاع دهند" تا بتوانند با قلب حقیقت از مسئولیت‌های ذی ربط‌شان خالی‌کنند. در این میان رژیم خدمتگزار صاحبان زر و ثروت، به یاری کارفرمایان حریص می‌شتابند و به اعتراف مسئولین امر با "عدم رسیدگی سریع و بموقع به گزارشهای حوادث ناشی از کار" در ترضیع حقوق کارگران سهیم می‌شود.

افزون بر اینها، رژیم با اتخاذ و پیشبرد سیاست دشمنی با کارگران و مخالفت با تشکل و ارتقاء آگاهی آنها شرایطی را به نفع کارفرمایان، بوجود آورده است که بسیاری از کارگران "از مرجع دریافت اخبار و رسیدگی به حوادث اطلاعی ندارند به نحوی که نمی‌دانند حادثه را به کجا و از چه طریقی اطلاع دهند" (اطلاعات ۲۵ اردیبهشت ۶۴).

کارفرمایان نه تنها خود را ملزم به تامین وسایل ایمنی ابزار کار نمی‌دانند بلکه در "بررسی حوادث ناشی از کار به مورد دیگر برمی‌خوریم و آن از کار انداختن حفاظ برق دستگاهها و ماشین‌آلات تولیدی و صنعتی بخصوص دستگاه پرس برای شتاب بخشیدن به کار و افزایش تولید در ساعت است" (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت ۶۴). علاوه بر این در اکثر واحدهای تولیدی کشور ماشین‌آلات غیر استاندارد و حادثه زا بچشم می‌خورند. صاحبان کارگاه‌ها فاقد هرگونه دانش و صلاحیت فنی هستند اما در سایه حکومت ج.ا. به استثمار کارگران ریزای با سرنوشته آنان مشغولند.

در این زمینه باید به ترفند کشورهای امپریالیستی، یعنی صدور و سایل تولید حادثه زا به کشورهای نظیر ایران اشاره کرد. مدیرکل بازرسی کار در این رابطه می‌گوید: "کشورهای صنعتی و امپریالیستی جهان برای صدور ماشین‌آلاتی که در داخل کشورشان اجازه کار ندارند، هیچگونه محدودیتی قائل نمی‌شوند. مثلا ممکن است یک دستگاه پرس فاقد حفاظ را که در کشور تولید کننده اجازه کار ندارد به سایر نقاط صادر کنند. مسئله دیگر این که آن کشورها سعی می‌کنند، برای بهره گیری از نیروی کار ارزان با سطح توقعات پایین، کارخانه‌هایی با استانداردهای نازل در ممالک جهان سوم تاسیس کنند.

و یا بخشهایی از پروسه صنعتشان را که خطرناک می‌باشد و نیز موادی که خطرناک و در عین حال مورد نیازند به خارج انتقال دهند که این مسایل نیز در ایجاد حوادث ناشی از کار تاثیر بسزایی دارد. دیگر اینکه ممالک صنعتی در یک بخش

تولیدی سعی می‌کنند قسمتهای خطرناک و حادثه زا در کشورهای جهان سوم بگذارند و بخشهای غیر خطرناک و حتی مفید کار را در کشور خود به انجام رسانند" (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت ۶۴). رژیم ج.ا. نه تنها کوچکترین گامی در مقابله با این ترفند نیما گران امپریالیستی - که خود به آن معترفند - برنداشته و بر نمی‌دارد بلکه با اتخاذ سیاست ارتجاعی گشودن درهای اقتصاد کشور بر روی انحصارات امپریالیستی و باتوسعه روز افزون روابط اقتصادی نابرابر با جهان امپریالیسم زمینه ساز چنین جنایاتی می‌شوند. تعداد کم بازرسان کاریکی دیگر از مظاهر سیاست ضد کارگری رژیم در این زمینه است. به گفته مهندس سیاهی مدیر کل اداره بازرسی کار "عده بازرسان کار در سراسر کشور از ۱۴۲ نفر تجاوز نمی‌کنند" در حالیکه "در ایران بیش از ۲۰۰ هزار کارگاه و ۲ میلیون کارگر تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی فعالیت دارند که به عبارت دیگر در ازای تقریبا هر ۱۴۰۰ کارگاه تنها یک بازرس کار وجود دارد" (اطلاعات ۲۳ اردیبهشت ۶۴).

در این زمینه ژرفای سیاست ارتجاعی رژیم زمانی بیشتر آشکار می‌شود که چند واقعیت دیگر نیز در نظر گرفته شوند. اول در شرایطی که تشکل‌های واقعی کارگری و سازمانهای راستین مدافع حقوق زحمتکشان از سوی رژیم غیرقانونی اعلام شده‌اند و حاکمیت به ابزار تامین منافع کارفرمایان بدل شده است، دآوری بازرسان کار الزاما به نفع صاحبان ثروت و علیه کارگران خواهد بود. ثانيا بشرط کنترل شرایط ایمنی کار - که با توجه به تفاوت فاحش میان تعداد کارگاهها و بازرسان کار امری محال است و تشخیص تخلف از سوی کارفرما هیچگونه ضمانت عملی برای مقید ساختن وی به اصول ایمنی کار نیست. جریمه نقدی و زندان کوتاه مدت حداکثر مجازات قانونی برای کارفرماست ولو اینکه تخلف او موجب مرگ کارگر شود! ثالثا کلیه واحدهای تولیدی و کارگرانی که تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نیستند و یا در کارگاههایی که کمتر از ده نفر کارگر دارند، کار می‌کنند کوچکترین حق قانونی و تضمین شده در برابر پی آمدهای ناشی از سوانح کار ندارند!

تأمین امنیت جانی کارگران در جریان کار مستلزم کاربست تدابیر ویژه‌ای از آن جمله تجهیز وسایل کار به سیستم حفاظ ایمنی، آموزش کافی حرفه‌ای و تشکیل کمیته کنترل حفاظت کار با شرکت و نظارت خود کارگران است. دستیابی به این اهداف تنها در پرتو تشکل وحدت و پیکار کارگران ممکن است.

**به سرکوب خلق کرد  
باید پایان داده شود!**

از خصایل اصلی ماشین دولتی - نظامی ایران تبدیل شده است. برخورد رژیم با مسئولین اصلی رواج این بسط، خود بیانگر ماهیت تحولات است. یکی از بزرگترین موارد فاش شده سوء استفاده در اموال دولتی، اجرای واگذاری بیست هزار قطعه زمین شهری از سوی حاکم شرع شهرداری تهران به گروهی از مسئولین دولتی و فعالین حزب جمهوری اسلامی و دیگر وابستگان رژیم بود. پرونده این ماجرای پر جنجال هنوز در محاکم قضایی مطرح است. اما سید مهدی طباطبایی شیرازی حاکم شرع شهرداری تهران که مسئول اصلی این سوء استفاده جمعی چند میلیارد تومانی بود، پس از لو رفتن ماجرا به نمایندگی مجلس انتخاب شد و ۵۵٪ نمایندگان به اعتبار نامه او رای مثبت دادند. در جریان استیضاح وزیر کشور ناطق نوری در سال ۶۲، برخی از نمایندگان مجلس فاش کردند که وابستگان او سوء استفاده‌های کلان در بنیاد مهاجرین جنگی دست داشته‌اند. بدنبال این استیضاح که مورد پشتیبانی تنی چند از روحانیون برجسته نیز قرار گرفت، خمینی با عتاب و خطاب کم سابقه‌ای نمایندگان مجلس را از بی‌آبرو کردن مسئولان بر حذر داشت. استیضاح کنندگان ناکزیر از پس گرفتن دعاوی خود شدند و پرونده امر بسته شد. همین ماجرا در جریان اعتراضاتی که از سوی دادستان امور صنفی وقت تهران در سال ۶۲ نسبت به سوء استفاده‌های بازاریان پیرو خمینی در وزارت بازرگانی بعمل آمد تکرار شد. دادستان به جرم تعقیب اهداف سیاسی "در دعاوی خویش از کار برکنار شد.

یکی از ویژگی‌های بورژوازی بوروکراتیک نوپای ایران آنست که سران روحانیت، خانخانی، جنگ قدرت و اختلافات فقهی پایان ناپذیر خویش را نیز با خود به دستگاه دولتی برده‌اند. حتی ساختار و سازمان دستگاه دولتی نیز تحت تاثیر هیرارشی روحانیت و پراکندگی فتوایی آن قرار گرفته است. یکی از دلایل تحمیل ساختار عقب مانده چند مرکزی و پیر هرج و مرج به دستگاه دولتی ایران، تمایل روحانیون ایالات و ولایات و مرکز و پیش از همه خود خمینی به اعمال قدرت مطلقه در منطقه نفوذ خویش است. این وضع که با نیازهای رشد سرمایه‌داری نیز در تضاد قرار می‌گیرد، به بورژوازی بوروکراتیک نوپای ایران خصلت ابر ارتجاعی می‌بخشد.

بورژوازی بوروکراتیک خصلت طفیلی و انگلی دارد. برای حفظ مقام و منافع تنگ نظرانه خود به مصالح ملی خیانت می‌کند و در برابر امپریالیسم و ارتجاع به معامله‌گری و خودفروشی سیاسی دست می‌زند، و با هرگونه تحول بنیادی و دمکراتیک در جامعه مخالفت می‌ورزد. بورژوازی بوروکراتیک خواهان استقرار نظام سرمایه‌داری و برقراری پیوندهای وابستگی آفرین با امپریالیسم جهانی است و از این رو قشر ذخیره امپریالیسم و ارتجاع محسوب می‌شود. بورژوازی بوروکراتیک نوپای ایران این صفات را نیز طی سالهای کوتاه عمر نکبت بارش به نمایش همگانی گذارده است.



## کمونیستهای مجارستان:

همچنان از همبستگی ما  
برخوردار خواهید بود

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران را به شما و همه کمونیست های ایران برادرانه شادباش می گوید.

کمونیست های مجارستان برای پیکار سرسختانه کمونیست های ایران در راه پیشبرد منافع خلق و پیشرفت اجتماعی در شرایط دشوار کنونی ارج فراوان قائل هستند.

ما از این فرصت بهره می جوئیم و پیروزی شما را در این مبارزه آرزو می کنیم. شما همچنان از همبستگی ما برخوردار خواهید بود.

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

## حزب کمونیست لسوتو

## کشتار توده ایها را محکوم میکند

کمونیست های لسوتو بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران، شادباش های برادرانه خود را تقدیم حزب توده ایران، ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران، می دارند.

ما از این فرصت بهره می جوئیم و همبستگی خود را با مبارزه دشوارتان علیه رژیم ارتجاعی و سرکوبگر مذهبی حاکم بر ایران ابراز می داریم. این رژیم نه تنها سیاست هارشد کمونیستی را برگزیده، بلکه کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران را بخون کشیده است. اما، اتحاد عناصر مترقی و آزاده ایران، به رهبری حزب توده ایران، ضامن پیروزی پایانی مبارزه در راه دگرگون سازی های دمکراتیک و پیشرفت اجتماعی خواهد بود.

با درودهای کمونیستی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست لسوتو نماینده حزب در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

## گزارشی از زندان

انتشار بیانییه مشترک حزب و سازمان در راه سرنگونی رژیم و تظاهرات اخیر ضد جنگ در گوشه و کنار کشور، زندانبانان به طرز وحشتناکی بویژه از زندانیان توده ای و اکثریتی انتقام گرفتند.

وضع ملاقات در زندان بندرعباس بسیار بد و نامنظم است. اتفاق می افتد که خانواده یک رفیق توده ای او شهر یا روستای دوری با سختی بسیار برای ملاقات فرزندانشان به بندرعباس بیایند. اما زندانبانان به بهانه این که وضع فرزند شما مشخص نیست از دادن ملاقات به این خانواده ها سرباز می زنند. این خانواده ها که

## حزب کارگر جامائیکا:

خاطره پیکار کمونیستهای  
ایران نازدودنی است

بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران، سلف حزب توده ایران، درودهای گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب کارگر جامائیکا را بپذیرید.

حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران از آغاز تاسیس خود و با الهام از انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر همواره پیشاهنگ مبارزه طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران در راه دمکراسی، عدالت و پیشرفت اجتماعی بوده اند. هیچ کارزار بهتان و سرکوبگری امپریالیسم و ارتجاع نمی تواند خاطره پیکار سرسختانه و فداکاری های بی شمار کمونیست های ایران را در راه پیشبرد این هدفهای والا از ذهن مردم ایران بزداید.

با بهره گیری از شصت و پنجمین سالگرد حزب کمونیست ایران، باردیگر، همبستگی گسست ناپذیر خود را با هزاران زندانی توده ای و پیکار پیکار شما برای پیروزی نهایی دمکراسی در ایران لبراز می داریم پایدار باد دوستی میان حزب توده ایران و حزب کارگر جامائیکا!

پیروز باد پیکار جهانیان در راه صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!  
با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب کارگر جامائیکا

## تلگرام کمیته مرکزی

## حزب ترقی خواه خلق گویان

به کمیته مرکزی حزب توده ایران  
بمناسبت ۶۵ - امین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران، همراه با نیکخواهانه ترین آرزوها، بار دیگر بر اشتیاقی و همبستگی خود با مبارزه عادلانه شما تاکید می کنیم.  
کمیته مرکزی حزب ترقیخواه خلق گویان

اغلب آنها رازنان و مردان سالخورده و همچنین نوعروسان و کودکان خردسال تشکیل می دهند دهها کیلو متر راههای روستایی را با مشقت بسیار و صرف آخرین دینار و گاهی اوقات با پای پیاده طی می کنند تا عزیزان دلبدانشان را ببینند. اما زندانبانان با خشونت و بی رحمی آنها را وادار می کنند که فکین و دل شکسته به روستاهای خود بازگردند. این اتفاق چندین بار برای خانواده های رفقای توده ای بخش بستک رخ داده است. در صورتی که به خانواده ها اجازه ملاقات داده شود در طول زمان ملاقات توهمین و هتاکلی به خانواده هاز شیوه های معمول زندانبانان شهرک "شغو" است.



## نکاتی از یک مصاحبه فیدل کاسترو

فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا و رئیس شورای دولتی و نخست وزیر این کشور طی مصاحبه با دو تن از رجال سیاسی آمریکا، مطالب مهمی را پیرامون سیاست آمریکا در آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب و همچنین بدهی های خارجی کشورهای جهان سوم عنوان کرد.

رفیق کاسترو گفت:

برای پاسخگویی به سیاست تهدید و زورگویی که دولت کنونی آمریکادر پیش گرفته است، کشور ما در سالهای اخیر توان دفاعی خود را برآنتب افزایش داده و برای مقابله با هرگونه تجاوزی آمادگی دارد. رفیق کاسترو یاد آورد شد: سیاست فعالی واشنگتن مبنی بر دخالت در امور داخلی همه کشورهای قاره، بهرحال روزی منجر به یک بحران خواهد شد. فکر می کنم که زمان فرارسیدن این بحران دارد نزدیک می شود.

رهبر کوبا هنگام پاسخگویی به پرسشی دیگر گفت که دخالت نظامی آمریکا در نیکاراگوئه محتمل است. و اگر بخواهیم دقیقتر بیان کنیم باید بگوئیم محافل رسمی واشنگتن را اندیشه هجوم به این کشور آمریکای مرکزی عمیقاً در خود فرو برده است و این در لحظه معین می تواند منجر به تجاوز نظامی آشکار شود. هدف دولت آمریکا در هم شکستن انقلاب ساندینیستی است.

فیدل کاسترو هجوم آمریکا به گرنادا را در اکتبر سال ۱۹۸۲ بشدت محکوم کرد و آنرا یکی از ننگین ترین و بیشرمانه ترین تجاوزات در دوران معاصر نامید.

سپس دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و نخست وزیر کوبا به مسئله وامهای خارجی کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای در حال رشد پرداخت و تاکید کرد که بازپرداخت این بدهی ها در شرایط کنونی غیر ممکن است. او گفت اگر از طریق گفتگو نتوان راه حل دیگری یافت آنگاه "جهان سوم" مجبور خواهد بود بطور یکجانبه این بدهی ها را لغو کند. دولت های کشورهای اعتبار دهنده می توانند بخشی از امکانات مالی خود را که برای هزینه های نظامی مصرف می کنند به بازپرداخت این بدهی ها از سوی کشورهای "جهان سوم" اختصاص دهند.

رفیق کاسترو یادآور شد که مسابقه تسلیحاتی جنایتی است علیه تمام بشریت. بجای آن باید راه تلاشهای صمیمانه برای صلح و همکاری میان کشورها را با احترام کامل نسبت به حق حاکمیت و آن ساختار اجتماعی که هر خلقی برای خود برگزیده است در پیش گرفت.

درباره مناسبات میان کوبا و اتحاد شوروی نخست وزیر کوبا تاکید کرد: میتوانم با صداقت کامل بگویم که با اتحاد شوروی مناسباتی عالی داریم و اکنون این مناسبات از هر زمان دیگری بهتر است.



## درسیاهچالها چه می گذرد؟

### در زندان دیزل آباد

شکنجه های جسمی و روانی در زندان "دیزل آباد" افزایش یافته است. بطوری که گروهی از زندانیان سیاسی دچار بیماریهای روحی شده اند و برخی از آنها که حال وخیمتری دارند با دستبند و همراه با چند نفر پاسدار مسلح برای معالجه به بیمارستان روانی "سینا" در باختران اعزام می شوند. پاسداران می کوشند که زندانیان را کاملا تحت کنترل خود داشته باشند و از برخورد و گفتگوی آنان با مردم جلوگیری کنند. تا چندی پیش حتی هنگام ویزیت پزشک دستبند زندانی را باز نمی کردند، اما این مسئله بارها مورد اعتراض شدید مراجع کنندگان به درمانگاه قرار گرفته است تا حدی که اخیرا پاسداران ناگزیر شده اند که هنگام دخول زندانیان سیاسی به درمانگاه دستبند آنها را باز کنند. زندانیان سیاسی در حضور پاسداران ویزیت می شوند و تمام سوال و جوابهای آنها با پیشکان بوسیله پاسداران کنترل می شود.

داروهای تجویز شده برای زندانیان سیاسی باید بطور منظم مصرف شود تا اثر داشته باشد. اما در زندان "دیزل آباد" دارو در اختیار مسئول بند است و آنها برای شکنجه و آزار زندانیان از دادن دارو به آنها در وقت مقرر خودداری می کنند.

در اینجا بد نیست که به یک حادثه کوچک و معمولی در رابطه با یکی از زندانیان سیاسی که به درمانگاه بیمارستان سینای باختران اعزام شده بود اشاره کنیم:

روزی مادر یکی از زندانیان ممنوع الملاقات که متوجه شده بود فرزندش را برای معالجه به درمانگاه اعزام کرده اند همراه با پسر کوچکش خود را به درمانگاه رساند. وی هنگام دیدن فرزندش بی اختیار به طرف وی دوید. اما یکی از پاسداران کلنگدن تفنگش را کشید و با تهدید مانع آن شد که مادر فرزندش را در آغوش بگیرد و با او صحبت کند. پاسداران با خشونت هرچه تمامتر زندانی بیمار را بدون آن که ویزیت شود به زندان بازگرداندند. مردم با نفرت نگاه می کردند. مادر بی گریست و برادر کوچک سر دردمان مادر فرو برده بود...

### گزارشی از زندان شغو در بندر عباس

در زندان "شغو" بندر عباس که سلولهای تنگ و نمناک آن به زحمت گنجایش دو ویا حداکثر سه نفر را دارد، در هر سلول بیش از پنج یا شش زندانی سیاسی را جای داده اند. زندانیان توده ای

استان هرمزگان از شهرهای مختلف به این زندان منتقل شده اند. هوای گرم و مرطوب بندر عباس و شرایط زیستی و غیر بهداشتی موجب بروز انواع بیماری های پوستی و استخوانی در میان زندانیان سیاسی شده است. یکی از رفقای توده ای که پیش از دستگیری به پا درد مبتلابود در این زندان دچار فلج پا گردید، اما زندانبانان از اعزام او به بیمارستان خودداری کردند. بهانه این بود که: هنوز وضع او روشن نشده است. اکثر رفقای توده ای، بخصوص آنها که از نظر تشکیلاتی در رده های بالاتری قرار داشته اند، پس از دو سال بازداشت همچنان بلاتکلیف مانده اند و هنوز به آنها اجازه ملاقات با خانواده هایشان داده نشده است. چهره های زندانیان در اثر شرایط ناگوار حاکم بر زندان و انواع شکنجه ها تکیده شده و اکثر بیماران تغذیه زندانیان بسیار بد است و زندانیان که اغلب در زمره فرزندان زحمتکشان استان هرمزگان هستند به دلیل فقرمادی قادر به خرید از فروشگاه زندان نیستند.

جو حاکم در زندان "شغو" با وجود اعمال شکنجه های جسمی و روانی شدید در مورد زندانیان توده ای، جو مقاومت است و همین سبب شده است که عوامل اطلاعاتی و حکام شرع مستاصل و مایوس شوند. مقاومت رفقای توده ای در زندان "شغو" نمونه است و همین مسئله موجب آن شده است که بیلا رفقای ما و دیگر گروههای سیاسی در زندان روابط منطقی و دوستانه ای برقرار شود.

بازجویی در زندان "شغو" با چشم بسته انجام می شود. با وجود در مرحله اول سعی می کند با مسالمت و بلوف زندانی را وادار به انحراف کند. او مدعی می شود که همه چیز لورفته، سپاه از زیر و بم همه کارها با خبر است و مراسم بازجویی تنها به منزله اثبات صداقت زندانی و به خلاف آن است. اما وقتی این حیل کارگر نمی افتد بازجویان و حاکمان شرع چهره واقعی خود را نشان می دهند و با مشت و لگد و کابل و انواع و اقسام شکنجه های دیگر به جان زندانی می افتند. یکی از رفقای توده ای بندرعباس را آنقدر زده بودند و شکنجه کرده بودند که پاهایش به طر و وحشتناکی متورم شده بود و ماماها قادر به راه رفتن نبود. بازجویان در حین شکنجه گفتار زندانیان را ضبط می کنند. یکی دیگر از شیوه های متداول شکنجه روحی در زندان "شغو" مثل اغلب زندانیان ایران، پخش نوارهای مذهبی و سخنرانی های مضحک و بی سرو ته عوامل ارتجاع است.

در زندان "شغو" سپاه می کوشد با استفاده از

عوامل انگشت شمار خود اطلاعات مورد نظر را کسب کند. اما هشیاری زندانیان سیاسی سبب شناسایی این عوامل و خنثی شدن دسیسه های حاکمان شرع و بازجویان شده است. در این زندان از زندانیان بیگاری می کشند. زندانیان در مقابل کارهای توانفرسا در هوای گرم و شرعی دچار حالت تهوع و سرگیجه شدید می شوند. رژیم برای این که به بیگاری زندانیان صورت "شرعی" بدهد گاهگاه مبلغ ناچیزی به عنوان "مزد" به آنها می پردازد. تخصص برخی از زندانیان موجب کسب درآمدهای سرشاری برای زندانبانان شده است.

زندانهای سیاسی عموما مورد فشار قرار می گیرند که "توبه نامه" بنویسند. رفقای توده ای استدلال می کنند که ما جو خدمت به خلق، مبارزه با امپریالیسم کاری نکرده ایم که ناگزیر از توبه شویم. زندانبانان حیل گرانه مدعی می شوند که از خدا طلب مغفرت کنید، نه از ما. زیرا به هر حال شما ممکن است که مرتکب گناه شده باشید و احتمالا به دختری نگاه "ناخواهری" کرده باشید، اینها گناه کبیره است و مستحق توبه.

زندانهای آزاد می شوند، اغلب بطور مشروط از زندان مرخص می شوند. مثلا به یکی از زندانیان گفته شده است که شما تا پنج سال دیگر زندانی هستید. اگر در این مدت خلائی از شما سر زده، همچنان بر سر مواضع خود باقی ماندید دستگیر شدید، حکم جدید به اضافه پنج سال در مورد شما اجرا می شود. همچنین زندانیان آزاد شده مورد فشار قرار می گیرند که به جبهه جنگ ضد مردمی بروند. برخی از زندانیان آزاد شده را وادار کرده اند که از مسافت دوری هر هفته به بندر لنگه بروند و خود را به سپاه معرفی کنند. این اشخاص هر هفته مورد بازجویی شدید قرار می گیرند. برخی از زندانیان آزاد شده به پرداخت وثیقه های سنگین بالغ بر چند صد هزار تومان شده اند.

برخورد زندانبانان زندان "شغو" با رفقای توده ای بسیار بد است و هواداران سایر گروههای سیاسی به این واقعیت معترف هستند. به زندانبانان عادی که اغلب آنها افرادی عقب مانده و قشری هستند تلقین شده است که توده ای ها زندانیان بسیار خطرناکی هستند و باید چهار چشمی مواظب آنها باشید. رژیم از نقش موثر توده ای ها و اکثریتی ها در ایجاد همفکری و اتحاد در میان نیروهای انقلابی در بندبشدت وحشت دارد. و نیز باید کلفت که هر اقدامی ویا حرکت و جنبشی که در خارج از زندان اتفاق می افتد و نشانگر پیروزی و موفقیت نیروهای مترقی در زمینه های مختلف است موجب انتقام جویی رژیم می شود. پس از برگزاری یلنوم هجدهم، بقیه در صفحه ۶

جنگ عامل تشدیدکننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان،  
بیگاری روزافزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!



### به این می گویند "عدالت اسلامی"

چندی پیش خمینی تاکید کرد که در مقابل دریافت اجاره بهاء، زمینهای موقوفه زراعی از کشاورزان بازپس گرفته نشود. اما در عمل سیاست رژیم خلاف این امر را نشان داد. کارگزاران رژیم با کمک ژاندرامری، شوراهاى اسلامى روستاها و به بهانه های غیر منطقی می کوشند زمینهای موقوفه زراعی را از چنگ دهقانان بیرون آورده و در اختیار متولیان مورد

اعتماد خود قرار دهند. حتی از اداره آبیاری می خواهند که در مورد آب شرب این اراضی از "بستن هرگونه قرار داد" با کشاورزان خودداری کنند. بطور نمونه می توان از اراضی مزرعه شمس آباد از جمله مزارع قریه رحمت آباد کربال- از توابع مرودشت فارس نام برد که اداره حج و اوقاف و امور خیریه شیراز به بهانه نداشتن "مجوز شرعی" و تصرف غیر قانونی تلاش دارد که از چنگ کشاورزان بیرون بیاورد. سند زیرین شاهد روشنی برای این واقعیت است.

### به مامی نویسنند

#### گروههای ضربت برای حمله به مردم

اخیرا در تهران و شهرستانها از میان اوباش کپیته ها و دیگر ارگانهای رسمی و غیر رسمی فشار، گروههای ضربت تشکیل شده است. این گروهها پس از بمباران شهرها، به محل مورد اصابت بمب اعزام می شوند و کار آنها حمله به مردم و "خفه" کردن شعارهای ضد جنگ است. با این حال مخالفت با جنگ جنبه عمومی پیدا کرده است. مردم علاوه بر تظاهرات موضعی، علیه هم فشارهای رژیم، در تاکسی، اتوبوس، محل کار و صوفی مختلف علنا رژیم را مورد اعتراض قرار می دهند. همچنین اخیرا دیده شده است که گروهی از ماموران و پاسداران، علیه هم دستورات مافوق از حمله به مردم خودداری می کنند. مثلا در بمباران اخیر تبریز، هنگامی که شعارهای ضد جنگ توسط مردم اوج گرفت، یکی از فرماندهان سپاه از افراد تحت مسئولیت خود خواست که به مقابله با مردم بپردازند و مانع حرکت آنها در درون شهر شوند، اما دستور او اجرا نشد. یکی از پاسداران به تعرض پرداخت و گفت: ما این لباس را نپوشیده ایم که به مردم تیراندازی کنیم.

#### نمایش قدرت در روز قدس

در "روز قدس" حاکمیت تمام قدرت بسیج خود را به نمایش گذاشت. مسئولین دولتی که از مدتها پیش در تدارک برگزاری مراسم "روز قدس" بودند با فرستادن وسایل نقلیه متعدد به روستاها و شهرهای مختلف استان مرکزی و وعده وعید بسیار توانستند عده ای را با خود به تهران بیاورند. تمام کارمندان ادارات دولتی و کارخانجات و دانش آموزان مدارس موظف شدند که در ساعات مقرر از نقاط مختلف تهران به راهپیمایی بپردازند. بویژه کارمندان و کارگران مورد تهدید قرار گرفتند که در صورت بقیه در صفحه ۷

حدود ۷۰ روستا در این منطقه است که در فاصله ۶۰ کیلومتری بخش خرامه قرار دارند و ناگزیرند که آب آشامیدنی خود را از شهرداری این شهر خریداری کنند و همچنین با مشقت زیاد از طریق اداره آبیاری مرودشت اراضی زیر کشت خود را مشروب سازند. رژیم بجای ایجاد تسهیلات بیشتر برای زحمتکشان ساکن این منطقه از اداره آبیاری می خواهد که از دادن آب به آنها خودداری کند.

به این می گویند "عدالت اسلامی"!



جمهوری اسلامی ایران

سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف فارس

"بسمه تعالی"

شورای اسلامی قریه رحمت آباد کربال

تاریخ ۱۸/۱۱/۶۴

شماره ۲۰۵

پیوست (۱)

برابرنامه مورخ ۱۸ / ۱۱ / ۶۴ آقایان صد دهنرومند ورسول تعصب و بانومسین تعصب متولیان و ناظر استصوابی موقوفه مرحمت پناه حاج احمد عرب زاده که تصویری از آن بضمیمه ارسال میشود نظریه اینکه در اواصل انقلاب کلیه اراضی مزرعه شمس آباد از جمله مزارع قریه رحمت آباد کربال پلاک شماره ۱۸۶ توسط عده ای افراد محلی و غیر محلی بدون داشتن هیچ گونه مجوز شرعی و قانونی متصرف و در آن مبادرت به کشت و داشت و برداشت نموده و دیناری بابت اجرت المثل محصول صیفی و شتوی بحساب موقوفه و اربزین نمودند بنا بر این خواهشمند است با توجه به اینکه درآمد موقوفه مزبور میباشد به مصارف اطلاق و تمیزیه داری حضرت امام عبدالحسین (ع) سید شهادت (ع) امام سوم شیعیان جهان و اطعام فقرا و مساکین در ماههای محرم و صفر و هزینه تعمیرات و نگهداری مسجد معروف به مسجد (امام حسین) واقع در خیابان فلسطین شیراز (با فاشه سابق) و سایر مصارف مقرر دروقف نامه برسد لذا بمنظور همکاری لازم در جهت استیفای حقوق حقه موقوفه مزبور خواهشمند است دست و فرمایند ضمن تهیه و ارسال صورتهای متصرفین پلاک مزبور نامبردگان را برای ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۶۴/۲/۲ برای تعیین تکلیف وضع اراضی باین اداره ارشاد فرمایند.

محمد علی باوری

رئیس اداره اوقاف و امور خیریه شهر راز

۱۸/۱۱/۶۴

رونوشت به:

- اداره محترم آبیاری ناحیه مرودشت جهت استحضار خواهشمند است دستور فرمایند از هرگونه قرارداد در مورد شرب اراضی پلاک فوق لذکر مطلقاً و بطور عام خودداری فرمائید.

- پاسگاه ژاندرامری خرامه جهت اطلاع و همکاری لازم و موثر با متولیان و ناظر موقوفه در رابطه با موضوع

- آقای صد دهنرومند متولی موقوفه جهت اطلاع و تعقیب موضوع و اعلام نتیجه و نیز حضور در این اداره در وقت مقرر

- آقای رسول تعصب

- بانومسین تعصب ناظر موقوفه جهت اطلاع

برای روشن شدن بیشتر قضیه توضیحات زیر ضروری است:

- مساحت زمین مورد نظر حدود ۸۰۰ هکتار است و تعداد زیادی کشاورز پس از انقلاب روی آن مشغول کار شده اند و به این وسیله امرار معاش میکنند. با توجه به این که مسجد یاد شده در متن نامه در محله اعیان نشین شیراز است و از محل اجاره مغازه های مجاور و برگزاری مراسم ختم در مسجد ماهیانه لااقل بیست هزار تومان در آمد دارد، پس "اطعام فقرا و مساکین" و

"تعزیه داری" و دیگر مسایلی که در این نامه عنوان شده است بهانه ای بیش نیست. منظور "اوقاف" این سیاست است که این زمینها را از چنگ کشاورزان بیرون آورده و تحویل موقوفه خواران مورد حمایت رژیم قرار دهند.

- رژیمی که ظاهراً دم از دفاع از "مستضعفین" می زند، بجای حمایت از آنها نیروهای مسلح را و می دارد که همکاری "لازم و موثر" با کسانی کنند که می خواهند مشتی کشاورز را بی خانمان کنند.

NAMEH MARDOM No: 59

P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

JULY 18, 1985